

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا

۲۶ نومبر ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

## وقتی ارزش ها عوض می گردند، عوضی ها به ارزش مبدل می شوند!

معنای این جمله قیمت دار اینست که وقتی ارزش هائی چون دوستی، محبت، اخلاص، صمیمیت، سادگی و بی آلابشی جایش را به رقابت، هم چشمی، دروغ، چند رنگی، تملق و سوء استفاده می دهند، دیگر این دومی ها ارزش های مسلط در زندگی مردم می گردند.

چند مثال ازین واقعیت ها و ارزش های حقیقی و عوضی خدمت شما می آورم:

در گذشته ها وقتی مریضی داخل اتاق معاینه می گردید، داکتر با تمام احساس و دانشی که داشت، متوجه مریض می گردید تا از سیما، طرز راه رفتن و حالت ظاهری او انطباق اولی برای تشخیص در ذهنش تجسم کند، بعد به اظهارات مریض گوش می داد و بعد هم معاینه لازم را انجام می داد. سپس با نظر داشت امکانات مریض و شدت مرض او نسخه لازم برایش می نوشت، این یک ارزش مسلط در آن زمان بود و هر طبیب کوشش می کرد تشخیص لازم را هر چه زودتر انجام دهد و مریض هر چه زودتر شفا یاب گردد.

حال این ارزش ها عوض گردیده اند و داکتر ها در برخورد اول به عوض احتمال شدت و یا خفیف بودن مریضی، متوجه لباس و حالت اقتصادی مریض می گردند و به عوض گوش دادن به تشریحات مریض که وقت داکتر صاحب را تلف می کند به طور خلاصه می پرسند، چه کدیت؟ کجایت درد دارد؟ و بعد تلاش می کنند زمینه های ترتیب چک سفید از مریض را برابر کنند، اگر گفت درد و سوزش معده دارم، داکتر صاحب در ذهنش سهمی که از معاینه اندوسکوپی برایش می رسد، مجسم می کند، نه التهاب معده، حالات روحی روانی مریض و ارائه معلومات لازم برای آسان ساختن و پذیرفتن مشکلات ماحول مریض، او دیگر خلاف گذشته به تنها فیس از مریض اکتفاء نمی کند، بلکه به فکر بزنی است که چند برابر او را مستفید می گرداند، این عوضی ها ارزش متداول زمان ما گردیده اند زیرا اگر داکتر این ارزش ها را مراعات نکند، پول موثر جدید و آپارتمان در شهرک آریا و یا مکان های دیگر از کجا میسر

خواهد شد، عروسی پسرش را هرچه با شکوه تر کی انجام خواهد داد و هزاران ارزشمندی دیگر که مورد پذیرش جامعه گردیده است، چون همه این ارزش ها را دارند فرقی نمی کند که همه عوضی اند ....

دیروز ها شوهران به فکر آرامش فکری و مادی همسر و فرزندان بودند و صفا و صمیمیت، وفا و تعهد، ارزش های قبول شده برایشان بود و بی صبرانه منتظر می بودند از کار فارغ گردند تا نزد خانم و فرزندان شان بروند، خانم های شان مهم ترین و زیبا ترین زن ها نزد شان بود، ولی حال این ارزش ها عوض گردیده، آنها بهترین اوقات شان را با دختران جوان در دفتر شان سپری می کنند و در تلاش خوشحال ساختن آمر هایشان اند تا برایشان اضافه کاری بدهند تا وقت بیشتری را با این خانم های جوان که هم تحصیل دارند و هم می دانند چه قسم پیشامد کنند، بگذرانند، دیگر از آن صفا و صمیمیت و رواداری خبری نیست، انتقاد از خانمی که تمام وقتش را در منزل و کار اولاد سپری می کند و فرصت رسیدن به سر و وضع خود را ندارد، به ارزش های جدید چون مرتب بودن، خوش تیپ بودن و با ادبیات بلند حرف زدن جایش را عوض می کند و خلاف این حالت برای شان غیر قابل تحمل می گردد .

مثال های زیادی را در مورد عوض شدن ارزش ها در جامعه خود سراغ نموده می توانیم که متأسفانه برای اکثریت قابل قبول و در حکم تقاضای وقت جلوه می کند.

متأسفانه این ما هستیم که عوضی ها را می پذیریم و با آن کنار می آئیم ولی اگر برای ما قابل پذیرش نباشند و بیگانه تلقی گردند، دیگر وجود نخواهد داشت ...

امروز ارزش همه چیز با پول محاسبه می گردد و آنهایی که پول می دهند آماده نیستند تا عوض نشوید به شما پول بپردازند، آنها خوب می دانند از شما چه می خواهند ولی این ما هستیم که بدون تأمل و بدون تأخیر آنچه می خواهند انجام می دهیم و آماده پذیرش هر نوع توقعات آنها می شویم. ما می توانیم با کمتر کردن خواهشات و آرزو های خود، میخی در تابوت استعمار گران و استعمار گران بکوبیم.

ما با صادق ماندن و الفت داشتن به انسانیت می توانیم قوت دل و وجدان خود را میسر گردانیم و شجاع و نترس بمانیم، حفظ ارزش های اصیل از توان وجدان های ضعیف به دور است، تلاش کنیم این ارزشمندی را از خود کنیم....